



The University of Tehran Press

Jurisprudential Analysis of the Primary and Secondary Rules of Types of Cosmetic Surgery According to the View of Islamic Schools and Its Investigation in the Legal Systems of Different Countries

Seyyed Hossein Nouri^{1*} | Sa'id Sabouei Jahromi²

1. Corresponding Author, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran. Email: sh.noori@ut.ac.ir

2. Ph.D Student, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: sabouei.saeed@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received: December 31, 2022

Revised: August 22, 2023

Accepted: August 27, 2023

Published online June 22 2024

Keywords:

Alteration in God's creation,

Cosmetic surgery

Law

Primary Rule

Secondary Rule

Jurisprudence

ABSTRACT

Cosmetic surgery is one of the new social phenomena. For this reason, there is no trace of this matter in the earlier jurisprudential books. In recent years, both Shi'a and Sunni scholars of jurisprudence have investigated this issue. Most of Sunni jurists have considered this surgery forbidden and to prove their claim, they have cited evidence such as the forbiddance of altering God's creation and traditions prohibiting such surgery. In contrast, most of Imamiyyah jurists have not accepted the above-mentioned reasons and relying on reasons such as the unconditional verses and traditions praising beauty and beautification, the rule of self-dominance, and the principle of innocence, they have considered it permissible. This article uses a descriptive-analytical method and library sources. After examining the reasons of both groups, it was concluded that the reasons of forbiddance are not complete and the reasons of permission are correct.

Cite this article: Nouri, S. H., Author, B. B., & Sabouei Jahromi, S. (2024). Jurisprudential Analysis of the Primary and Secondary Rules of Types of Cosmetic Surgery According to the View of Islamic Schools and Its Investigation in the Legal Systems of Different Countries. *Islamic Jurisprudential Researches*, 19 (4), 323-336. DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.351429.1009235>



Author: Seyyed Hossein Nouri, Sa'id Sabouei Jahromi
DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.351429.1009235>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

نشریه پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

واکاوی فقهی حکم اولی و ثانوی انواع عمل‌های جراحی زیبایی از دیدگاه مذاهب اسلامی و بررسی آن در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف

سیدحسین نوری^{۱*} | سعید سبویی جهرمی^۲

۱. نویسنده مسؤل، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، قم، ایران، رایانامه: sh.noori@ut.ac.ir
۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، تهران، ایران، رایانامه: sabouei.saeed@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

عمل جراحی زیبایی یکی از پدیده‌های اجتماعی نوظهور است. به همین دلیل در کتب فقهی فقیهان متقدم اثری از این بحث مشاهده نمی‌شود. در سال‌های اخیر دانشمندان فقه امامیه و همچنین اهل سنت به بررسی فقهی این مسئله پرداخته‌اند. مشهور فقهای اهل سنت قائل به حرمت این عمل شده‌اند و برای اثبات مدعای خود به ادله‌ای چون حرمت تغییر در خلقت الهی و روایات نهی‌کننده از چنین اعمالی استناد کرده‌اند. در مقابل این نظریه اکثریت فقهای امامیه ادله یادشده را نپذیرفته‌اند و با استناد به ادله‌ای چون اطلاق آیات و روایات مدح‌کننده زیبایی و زیباسازی، قاعده تسلط بر نفس، و اصل برائت قائل به جواز جراحی زیبایی شده‌اند. در این نوشته که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفت، پس از بررسی ادله دو گروه، این نتیجه حاصل شد که ادله اقامه‌شده بر حرمت ناتمام و قول به جواز صحیح است

کلیدواژه:

تغییر در خلقت الهی،

حقوق،

حکم اولی،

حکم ثانوی،

فقه.

استناد: نوری، سیدحسین و سبویی جهرمی، سعید (۱۴۰۲). واکاوی فقهی حکم اولی و ثانوی انواع عمل‌های جراحی زیبایی از دیدگاه مذاهب اسلامی و بررسی آن در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف، پژوهش‌های فقهی، ۱۹ (۴)، ۳۳۶-۳۲۳.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.351429.1009235>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان: سیدحسین نوری و سعید سبویی جهرمی

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.351429.1009235>



مقدمه

در طول تاریخ، بشر همواره در پی کسب زیبایی‌ها کوشیده و سعی کرده خود را به زیباترین حالت ممکن درآورد. هرچند در گذشته وسایل و روش‌های زینت و آرایش به گستردگی و پیچیدگی امروزی نبوده، بشر در هیچ عصری خود را بی‌نیاز از آراستگی و زیبایی ندیده است. با ظهور آیین اسلام تأکید بر این خواسته فطری به یکی از شاخصه‌های مهم مسلمانان تبدیل شد. استفاده کردن از شانه برای زیباسازی موها، مالیدن روغن برای حفظ نشاط و سلامتی پوست، استفاده از سرمه، رنگ کردن موهای سر و محاسن با حنا، پوشیدن لباس‌های پاکیزه با رنگ‌های روشن و جذاب، و استعمال عطر بخشی از دستوره‌های دینی در جهت آراستگی ظاهری است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۴۳۸).

با پیشرفت علم و تکنولوژی و هم‌گام با دیگر عرصه‌های زندگی، روش‌های زیباسازی و آراستگی نیز پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای داشته است. اعمالی که بشر در گذشته برای زینت بخشیدن به ظاهر خود انجام می‌داده موقت و زوال‌پذیر بوده است و تغییر دائمی در اعضای بدن ایجاد نمی‌کرده است. امروزه، علاوه بر ابزارهای آرایش موقت، عمل‌ها و جراحی‌هایی در جهت زیباسازی اندام‌های بدن صورت می‌گیرد که اثر آن سال‌ها و در برخی موارد تا پایان عمر در اعضای بدن انسان پایدار می‌ماند.

از سویی این اعمال با روش‌های آرایش در گذشته متفاوت است و نمی‌توان حکم آن‌ها را یکی دانست و از سوی دیگر به دلیل جدید بودن این موضوع در میراث فقهی به‌جای‌مانده از علمای گذشته به این مسائل پرداخته نشده است. به همین جهت بررسی فقهی انواع عمل‌های جراحی زیبایی ضروری به نظر می‌رسد. در سال‌های اخیر، به دلیل رواج و گسترش عمل جراحی زیبایی، دامنه آن به محافل فقهی نیز کشده شده است و فقهای مذاهب مختلف اسلامی به نوشتن آثاری در این زمینه روی آورده‌اند. از این آثار می‌توان به کتاب الجراحیة التجمیلیة عرض طبی و دراسة مفصلة، نوشته صالح بن محمد فوزان، کتاب عملیات التجمیل الجراحیة و مشروعیتها الجزائیة بین الشریعة و القانون، نوشته محمد حسینی، و کتاب جراحی زیبایی / از منظر فقه، نوشته محمدعلی قاسمی و علی جهانیان، اشاره کرد. تفاوت این نوشته با سایر تحقیقات در این زمینه این است که احکام اولی و ثانوی اقسام مختلف جراحی زیبایی را از دیدگاه فقیهان امامیه و اهل سنت بررسی و نیز قوانین کشورهای مختلف جهان را در این زمینه واکاوی می‌کند.

در زمینه حکم عمل جراحی زیبایی دو رویکرد کلی وجود دارد؛ عده‌ای آن را مخالف شرع و عده‌ای آن را جایز می‌دانند. هر دو طرف برای اثبات مدعای خود به دلایل مختلف تمسک کرده‌اند که برخی از آن‌ها در نهایت ضعف و سستی است. به همین سبب در این نوشته سعی شد فقط ادله مهم نقد و بررسی شود. در نوشته حاضر، که پرسش اصلی آن یافتن حکم اولی و ثانوی عمل جراحی زیبایی است، ابتدا تعریف عمل جراحی زیبایی و اقسام آن ارائه و محل نزاع مشخص می‌شود. در ادامه حکم اولی این عمل و ادله اقامه‌شده بر حرمت و جواز نقد و تحلیل می‌شود. در بخش سوم به حکم ثانوی این عمل پرداخته می‌شود. و در بخش پایانی این عمل از منظر نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. واژه‌شناسی «جراحی زیبایی»

جراحی زیبایی نوعی از جراحی پلاستیک است که به منظور بازسازی یا زیباسازی یا برطرف کردن آسیب‌ها و نواقص ظاهری بخشی از بدن انجام می‌گیرد (احدوث، ۱۳۵۵: ۴۸). جراحی زیبایی بر اعضای مختلف بدن از جمله لب، گونه، بینی، گردن، چانه، سینه، شکم، ران، و دیگر اعضا صورت می‌پذیرد. روش‌های مختلفی برای انجام دادن عمل زیبایی وجود دارد؛ مانند تزریق ژل، لیفت، پروتز، تزریق بوتاکس، لیپولیزر، لیپوساکشن، و تزریق چربی. به طور کلی برخی از جراحی‌های زیبایی در جهت زدودن و برداشتن بخش‌های زائد بدن است، مانند برخی از عمل‌های جراحی کوچک‌سازی بینی، و برخی نیز در جهت افزودن و حجم دادن به بخش‌های ناقص است، مانند برخی از عمل‌هایی که برای برجسته‌سازی گونه انجام می‌شود.

۲. اقسام جراحی زیبایی

جراحی زیبایی به دو قسم ترمیمی و زیبایی تقسیم می‌شود:

الف) جراحی ترمیمی: این قسم از جراحی زیبایی در مواردی به کار می‌رود که نقصی در اعضای بدن وجود داشته باشد و به وسیله جراحی بخواهند آن را برطرف کنند (اولسن، ۱۳۸۸: ۸). نقص موجود در بدن گاه به گونه‌ای است که عملکرد بدن را دچار اختلال می‌کند و گاهی به این حد نمی‌رسد. بنابراین عمل جراحی ترمیمی نیز می‌تواند به دو بخش تقسیم شود:

۱. عمل ترمیمی ضروری: این نوع عمل به مواردی اطلاق می‌شود که اگر انجام نشود، عملکرد اعضای بدن با مشکل مواجه می‌شود و ممکن است زندگی بیمار با خطرات جدی مواجه شود. از جمله این جراحی‌ها می‌توان به جراحی عفونت‌های پوستی و جراحی انحراف بینی اشاره کرد که در صورت عدم اقدام به عمل می‌تواند برای فرد مشکل‌ساز شود (طالبی، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

۲. عمل ترمیمی غیر ضروری: این نوع عمل به مواردی اطلاق می‌شود که با وجود نقص و آسیب در عضو عمل نکردن خطری برای شخص ایجاد نمی‌کند؛ مانند عمل زیبایی بینی برای شخصی که بینی او بزرگ و نازیبا است. این نوع از نقص حیات بیمار را تهدید نمی‌کند و اختلالی نیز در عملکرد بدن او ایجاد نمی‌کند (طالبی، ۱۳۹۴: ۱۶۱). البته این نکته نباید فراموش شود که در هر دو قسم جراحی زیبایی ترمیمی نیز حاصل می‌شود. اما، علاوه بر زیباسازی، نقصی خطرناک یا نقصی بی‌خطر نیز از بیمار برطرف می‌شود.

ب) عمل جراحی زیبایی: این نوع عمل بر روی عضو طبیعی بدون نقص و تنها به دلیل زیباتر شدن صورت می‌گیرد. در دو قسم عمل جراحی ترمیمی، علاوه بر زیباسازی، رفع نقص نیز مورد نظر است. اما در این قسم نقصی وجود ندارد و صرفاً فرم و شکل عضو مورد نظر زیباتر می‌شود (اولسن، ۱۳۸۸: ۸). نکته‌ای که در مباحث فقهی عمل جراحی زیبایی باید مورد توجه قرار گیرد این است که عمل جراحی زیبایی ترمیمی ضروری، که سلامت انسان در گرو انجام دادن آن است، از محل بحث خارج است. چون شکی در جواز چنین اعمالی وجود ندارد. این قسم از جراحی‌ها در واقع نوعی عمل درمانی است و ادله‌ای که جواز درمان و وجوب حفظ جان را ثابت می‌کند دال بر جواز چنین عمل‌هایی است. آنچه در مباحث پیش رو مورد بحث واقع می‌شود عمل جراحی ترمیمی غیر ضروری و عمل جراحی زیبایی محض است. از آنجا که حفظ سلامتی و بهبود عملکرد جسم وابسته به این دو قسم از اعمال نیست و این دو عمل جنبه درمانی ندارند، برای اثبات جواز آن‌ها باید دلیل دیگری غیر از دلایل وجوب حفظ نفس و حفظ سلامتی یافت.

۳. بررسی حکم اولی

فقیهان معاصر در مورد حکم جراحی زیبایی اختلاف نظر دارند. به طور کلی می‌توان نظرات فقها در این زمینه را به دو قول جواز و حرمت تقسیم کرد. اکثر فقهای اهل سنت قائل به حرمت عمل زیبایی شده‌اند (المحامید، ۲۰۰۵ م: ۳۱۷) و در مقابل مشهور فقهای امامیه آن را جایز دانسته‌اند. برای داوری منصفانه در مورد این دو نظریه، باید ادله هر یک از اقوال را بررسی کرد. نکته دیگری که قبل از پرداختن به تحلیل ادله باید بیان شود این است که برخی از پژوهشگران که در زمینه جراحی زیبایی تحقیقاتی را ارائه کرده‌اند تفکیک صحیحی بین ادله حکم اولی و ادله حکم ثانوی نکرده‌اند، بلکه همه ادله را یک‌جا ارائه کرده‌اند. در مورد جراحی زیبایی باید این دو عرصه کاملاً تفکیک شود؛ به همین دلیل ابتدا حکم اولی این عمل و در ادامه حکم ثانوی بررسی خواهد شد.

۳.۱. بررسی نظریه تحریم

اگر عمل زیبایی از نوع درمانی و برای رفع عیب باشد اختلافی در جواز آن وجود ندارد. اما اگر این عمل صرفاً برای زیبایی باشد مشهور فقهای اهل سنت آن را حرام می‌دانند. فقهای زیدیه نیز، که در مسائل فقهی شباهت زیادی به اهل سنت دارند، در این زمینه با جمهور اهل سنت موافق هستند (المحامید، ۲۰۰۵ م: ۳۱۷). مطابق این نظریه، عمل‌هایی چون کشیدن پوست، کوچک‌سازی بینی، و زیباسازی لب‌ها حرام است. حتی برخی تصریح کرده‌اند استفاده از چشم مصنوعی نیز حرام است؛ چون

کارکرد درمانی ندارد و عملکرد جسم انسان با آن و بدون آن تفاوتی ندارد و فقط برای زیباتر شدن چهره استفاده می‌شود (حسینی، ۲۰۰۸ م: ۹۲). در میان فقهای امامیه این نظریه طرفدار چندانی ندارد و فقط برخی از فقها انجام دادن عمل زیبایی را مخالف با احتیاط دانسته‌اند (گرم‌آبدشتی، ۱۳۸۳: ۶۶). موافقان این نظریه برای توجیه آن به دلایلی تمسک کرده‌اند.

دلیل اول. تغییر در خلقت الهی: مهم‌ترین دلیل قائلین به حرمت عمل جراحی زیبایی حرمت تغییر در آفرینش الهی است (فوزان، ۱۴۲۹ ق: ۶۸). مطابق با ادعای ایشان خداوند متعال در قرآن کریم ایجاد تغییر در خلقت را ناشی از وسوسه شیطان و عمل گمراهان شمرده است. در آیات ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره نساء آمده است: «شیطان گفت: از میان بندگان سهمی مشخص خواهم گرفت و آن‌ها را همراه می‌سازم و به آرزوهای باطل می‌افکنم و به آن‌ها دستور می‌دهم که گوش چارپایان را بشکافند و آفرینش الهی را تغییر دهند». نحوه استدلال با این آیه به این صورت است که خداوند تغییر در خلقت را از اعمال شیطانی دانسته است و این تغییر را نیز به طور مطلق بیان کرده است که شامل هر گونه تغییری می‌شود. البته نسبت به برخی تصرفات در خلقت دلیل بر جواز وجود دارد، مانند ختنه کردن. اما نسبت به تغییراتی که دلیلی بر جواز آن نداریم، مانند جراحی زیبایی، اطلاق این آیه شامل آن می‌شود و حرام است (طیسی، بی‌تا: ۵۲). در برخی از کتب تفسیری اهل سنت «تغییر در خلقت» به آرایش‌ها و زیباسازی‌هایی که در گذشته رایج بوده تفسیر شده است و آن را به ابن مسعود و حسن بصری نسبت داده‌اند (قرطبی، ۱۳۸۴ ق، ج ۵: ۳۹۲). اما این استدلال صحیح نیست و با توجه به قرائنی که بیان خواهد شد این آیه دلالتی بر حرمت تغییر در خلقت الهی ندارد.

شیخ طوسی چهار نظریه را در تفسیر «تغییر در خلقت الهی» بیان کرده است. **نظریه اول:** مراد اخته کردن است. به همین دلیل صاحبان این نظریه اخته کردن حیوانات را مکروه می‌دانند؛ **نظریه دوم:** منظور از تغییر خلقت در این آیه تغییر دین الهی است و شاهد بر این نظریه آیه ۳۰ سوره روم است: «پس روی خود را با حق‌گرایی به سوی دین کن، همان فطرت الهی که مردم را بر آن آفریده است. دگرگونی در آفرینش خداوند نیست. این است دین استوار. ولی بیشتر مردم نمی‌دانند». بر اساس این آیه، خداوند ذات و سرشت بشر را پاک و عاری از شرک آفریده است و این پاکی جزء ذات همه انسان‌ها است و قابل تغییر نیست. اگر این آیه را در کنار آیه مورد بحث قرار دهیم، نتیجه این می‌شود که تغییر در خلقت الهی به معنای روی‌گردانی از فطرت پاک الهی و گرایش به سمت شرک و کفر و پلیدی است؛ **نظریه سوم:** مراد از تغییر خلقت خال‌کوبی است. این تفسیر سازگار با مدلول برخی از روایات است که در ادامه بیان خواهد شد؛ **نظریه چهارم:** تغییر در خلقت به معنای تحلیل حرام و تحریم حلال و به تعبیری به معنای تغییر در احکام الهی است. این تفسیر را می‌توان مصداقی از تفسیر دوم دانست. شیخ طوسی، بعد از نقل این چهار نظریه، قول دوم را از دیگر اقوال قوی‌تر می‌داند و معتقد است که این قول شامل همه اقوال دیگر نیز می‌شود. چون هر چه در تفسیر این آیه گفته شده مصداقی از تغییر دین است (طوسی، بی‌تا، ج ۳: ۳۳۴). دیگر مفسر نامی شیعه، شیخ طبرسی، نیز همین نظریه را صحیح و مطابق با روایات دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۷۳).

علاوه بر نظرات مفسران بزرگ، روایت معتبری از زراره وجود دارد که «فطرت الهی» در آیه ۳۰ سوره روم را به توحید تفسیر کرده است و این روایت نیز شاهد دیگری است که «خلق الله» به معنای دین الهی است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که تغییر در خلقت الهی ارتباطی با عمل جراحی زیبایی ندارد و نمی‌تواند مستندی بر حرمت آن باشد.

دلیل دوم. روایات: از برخی روایات چنین استنباط شده که عمل زیباسازی ممنوع است. چند نمونه در ادامه نقل می‌شود. **روایت اول:** از پیامبر^(ص) نقل شده است که ایشان چهار دسته از زنان را لعن کردند. اول، زنانی که خال‌کوبی می‌کنند. دوم، زنانی که درخواست خال‌کوبی دارند و بر بدن آن‌ها خال‌کوبی انجام می‌شود. سوم، زنانی که موی صورت‌های خود را می‌زدایند. چهارم، زنانی که برای زیبایی بین دندان‌های خود فاصله می‌اندازند. بر اساس این حدیث این زنان کسانی هستند که خلقت خداوند را تغییر می‌دهند (مسلم، ۱۳۳۴ ق، ج ۴: ۱۶۶ - ۱۶۷). با توجه به اینکه عمل جراحی زیبایی نیز یکی از مصادیق تغییر در خلقت الهی است، مشمول حکم این روایت می‌شود. در نتیجه فاعل آن ملعون خواهد بود. **روایت دوم:** عایشه از پیامبر اسلام نقل می‌کند زنانی که موهای زنان را به یک‌دیگر پیوند می‌زنند مورد لعنت الهی قرار می‌گیرند (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۸: ۲۸۵). بر اساس این حدیث زنانی که موهای زنان را به یک‌دیگر پیوند می‌زنند مورد لعنت قرار می‌گیرند. جراحی زیبایی نیز یکی از مصادیق زیباسازی است و لعنت در این حدیث شامل چنین اعمالی نیز می‌شود. **روایت سوم:** از امیرالمؤمنین^(ع) نقل شده است:

«رسول خدا^(ص) چهار گروه را لعنت کرد. اول، زانی که موی صورت زنان دیگر را می‌کنند، زانی که این کار بر آن‌ها انجام می‌شود. دوم، زانی که دندان زنان دیگر را تراشیده و برای زیبایی تیز می‌کنند، زانی که این کار بر آنان انجام می‌شود. سوم، زانی که موی زنان را به موی زنان دیگر وصل می‌کنند، زانی که این عمل بر آن‌ها انجام می‌شود. چهارم، زانی که برای زنان دیگر خال کوبی می‌کنند، زانی که خال کوبی بر آن‌ها انجام می‌شود.» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۲۵۰). **روایت چهارم:** از امام صادق^(ع) نقل شده است: «زانی که برای زنان دیگر خال کوبی می‌کند و زانی که خال کوبی بر آن‌ها انجام می‌شود و کسی که بدون قصد خرید قیمت بالاتری را برای خرید کالایی پیشنهاد دهد تا فروشنده بتواند با قیمت بیشتری بفروشد و فروشنده این کالا که این کار برای او انجام شده توسط پیامبر اسلام لعن شده‌اند.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۵۵۹).

استدلال به این احادیث از دو جهت قابل نقد است. **الف) از جهت سندی:** دو روایت اول که از منابع عامه است و مورد قبول فقهای امامیه نیست. در سلسله سند روایت اول ابراهیم یزید نخعی (طوسی، ۱۴۲۷ ق: ۱۱۹)، منصور بن المعتمر (طوسی، ۱۴۲۷ ق: ۱۴۶ و ۲۹۰ و ۳۰۵)، جریر بن عبد الحمید (طوسی، ۱۴۲۷ ق: ۱۷۷) توثیقی نزد رجالیان امامیه ندارند. در روایت دوم نیز وثاقت خالد بن یحیی، ابراهیم بن نافع، حسن بن مسلم (خویی، ج ۶: ۱۴۹ - ۱۵۰) ثابت نیست. روایت سوم گرچه در منابع امامیه نقل شده، دچار ضعف سندی است. چون حداقل چهار تن از راویان این سند یعنی احمد بن یحیی بن زکریا القطان، بکر بن عبدالله بن حبیب، تمیم بن بهلول، عبدالله بن بهلول توثیقی ندارند (خویی، ج ۳: ۱۵۹ و ج ۴: ۲۸۴). تنها روایت معتبر روایت چهارم است که اشکال دلالتی آن خواهد آمد. **ب) از جهت دلالتی:** با صرف نظر از اشکالات سندی، در همه روایات تحریم از واژه «لعن» استنباط شده است؛ در حالی که لعن نص در حرمت نیست و در بسیاری از نصوص به معنای کراهت آمده است و در صورت وجود قرینه می‌توان آن را حمل بر کراهت کرد. چند روایت دیگر وجود دارد که قرینه بر حمل بر کراهت است؛ از جمله: ۱. نقل شده که زن آرایشگری نزد رسول خدا^(ص) آمد. پیامبر به او فرمود: «آیا کارت را رها کردی یا هنوز به آن مشغولی؟» آرایشگر پاسخ داد: «هنوز آن را انجام می‌دهم. مگر اینکه شما مرا از آن نهی کنی که در این صورت از آن دست می‌کشم.» پیامبر به او گفت: «کارت را انجام بده. ولی هنگامی که آرایش می‌کنی صورت را با پارچه جلا نده. چون آب صورت را از بین می‌برد و مو را به موی دیگری پیوند نده.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۱۱۹)؛ ۲. عبدالله بن حسن از امام صادق^(ع) در مورد پشمی که زنان بر روی سر خود می‌گذارند پرسید. امام فرمود: «پشم اشکالی ندارد. اما اگر موی انسان باشد خیری در آن نیست.» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۳۶۱). از سیاق روایت اول استفاده می‌شود که نهی از برخی کارهای آرایشی مولوی نیست، بلکه نهی ارشادی و برای حفظ سلامت و بهداشت پوست و مو است. چون، در مقام تعلیل نهی، از مضرات بهداشتی این عمل سخن به میان آمده است. در روایت دوم نیز از تعبیر «لا خیر فیه» نهایتاً کراهت استفاده می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۲: ۱۱۳ - ۱۱۴). علاوه بر این مطالب، در روایت چهارم از مقارنه بین وصل موها با نجش، که عملی همراه با فریب و نیرنگ است، می‌توان چنین استفاده کرد که مراد از وصل موها در این روایت آن مواردی است که برای نیرنگ و تدلیس باشد، نه مطلق وصل مو. بنابراین این روایت نمی‌تواند دلیل بر حرمت ذاتی این عمل باشد.

دلیل سوم. عدم تسلط انسان بر اعضای بدنش: یکی از ادله‌ای که برای حرمت جراحی زیبایی بیان شده این است که انسان حق دخل و تصرف در اعضای بدن خود را ندارد؛ چون مالک آن خداوند است و ما فقط امانت‌دار اعضای بدن خود هستیم (آقابابایی، ۱۳۸۶: ۱۶). اگر نسبت به جواز تصرف خاصی در بدن دلیل وجود داشته باشد، چون خداوند اذن تصرف داده، مشکلی وجود ندارد. اما اگر دلیلی بر جواز تصرفی خاص وجود نداشته باشد، قاعده ایجاب می‌کند که تصرف حرام باشد. مثلاً اگر کسی به جهت بیماری نیاز به عمل جراحی خاصی داشته باشد که مستلزم تصرف در اعضای بدن باشد، دلیل بر جواز این عمل وجود دارد. چون ما مکلف هستیم که سلامت جسم خود را حفظ کنیم. اما در موردی مثل جراحی زیبایی دلیلی بر جواز تصرف وجود ندارد. بنابراین این عمل ممنوع خواهد بود. اما این استدلال صحیح نیست. چون در بیان ادله جواز اثبات خواهد شد همان‌طور که انسان بر اموال خود و نحوه استفاده از آن‌ها سلطه دارد بر اعضای بدن خود نیز تسلط دارد.

۲.۳. بررسی نظریه جواز

مسئله عمل جراحی زیبایی از مسائل مستحدثه علم فقه محسوب می‌شود. به همین دلیل در کتب فقهی متقدم اثری از آن

مشاهده نمی‌شود. اما در سال‌های اخیر، با گسترش علم پزشکی و رواج این نوع از عمل‌ها، فقها نظرات خود را در این زمینه اعلام کرده‌اند. مشهور فقهای امامیه عمل جراحی زیبایی را مشروع می‌دانند. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید عمل جراحی در جهت زیبایی مانعی ندارد. آیت‌الله گلپایگانی معتقد است در صورتی که عمل جراحی زیبایی دارای غرض عقلایی باشد اشکالی ندارد (حجت، ۱۳۷۵: ۴۴). آیت‌الله تبریزی در این زمینه قائل است که اگر برای چنین اعمالی از پوست و اعضای بدن خود شخص در جهت زیباسازی و ترمیم استفاده شود اشکالی ندارد. آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز در پاسخ به استفتائی در این خصوص فرموده‌اند اگر غرض عقلایی در بین باشد اشکال ندارد. آیت‌الله سیستانی این کار را بدون اشکال می‌داند و آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز همین عقیده را دارد، با این تفاوت که ایشان احتیاط مستحب را در ترک این عمل می‌دانند (محمودی، ۱۳۸۱: ۱۵۳ - ۱۵۴). آیت‌الله مکارم شیرازی می‌نویسد در صورتی که این عمل آمیخته به عمل حرام دیگری نباشد اشکال ندارد و جایز است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۸۰).

همه مطالب نقل شده از فقهای معاصر در پاسخ به سؤالات بیان شده است و بحث فقهی مبسوطی توسط ایشان انجام نشده است. اما در لابه‌لای کلمات ایشان و همچنین در آثاری که دیگر پژوهشگران در این زمینه تألیف کرده‌اند دلایلی برای جواز این عمل ذکر شده که در ادامه بررسی می‌شود.

دلیل اول. آیات و روایات: در آیات قرآن و روایات بر توجه به حسن ظاهر و زیبایی تأکید فراوان شده است که به چند مورد اشاره می‌شود. ۱. آیه ۳۲ سوره اعراف: «بگو چه کسی زینت الهی را که برای بندگانش خارج ساخته و رزق پاکیزه حرام کرده است؟ بگو زینت‌ها و رزق پاکیزه در دنیا (هم برای کافران و هم) برای افراد باایمان است و در آخرت فقط برای اهل ایمان است.» در این آیه خداوند متعال زیبایی‌ها را به خود نسبت می‌دهد و تحریم زیبایی‌ها را در قالب استفهام انکار می‌کند. یکی از مصادیق زینت زیبایی‌هایی است که به وسیله عمل جراحی به دست می‌آید و مطابق با مدلول این آیه خداوند آن را تحریم نکرده است؛ ۲. در روایتی امام صادق (ع) از امیرالمؤمنین نقل می‌کند: «خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که اثر نعمت را بر بنده‌اش ببیند.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۴۳۸). در این روایت، زیبایی عملی مورد علاقه خداوند معرفی شده است و به طور قطع عملی که خداوند آن را دوست بدارد نه تنها مباح است، بلکه عملی نیکو و مستحسن است. جمال در این روایت اطلاق دارد و شامل هر نوع زیبایی می‌شود، از جمله زیبایی که در اثر جراحی به دست آید. بنابراین عمل جراحی نیز که ختم به زیبایی می‌شود جایز و مورد پسند خداوند خواهد بود.

دلیل دوم. تسلط انسان بر بدن خودش: تسلط انسان بر خودش در دو مرتبه قابل بررسی است: الف) تسلط بر جان؛ ب) تسلط بر اعضای بدن. دلیلی بر تسلط به معنای اول وجود ندارد، بلکه برخی ادله، مانند آیه «و لاتلقوا بأیدیکم إلی التهلکة» (بقره/ ۱۹۵)، دال بر عدم تسلط انسان بر جان خود است (ایروانی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۰۸). اما برای اثبات تسلط به معنای دوم می‌توان به ادله‌ای استناد کرد: ۱. آیه ۶ سوره احزاب: «النبی اولى بالمؤمنین من أنفسهم». در این آیه کریمه خداوند متعال می‌فرماید پیامبر اسلام (ص) از مؤمنان نسبت به جان آن‌ها ولایت بیشتری دارد. همان‌طور که در علم ادبیات بیان شده استفاده از اسم تفضیل در جایی صحیح است که مفضل علیه اصل ماده اسم تفضیل را داشته باشد. مثلاً جمله «زید أعلم من عمرو» زمانی صحیح است که عمرو دارای علم باشد، ولی علم زید از او بیشتر باشد. با توجه به این بیان، در آیه کریمه نیز، چون از اسم تفضیل استفاده شده، اصل ماده آن باید در مفضل علیه وجود داشته باشد. به عبارت دیگر اصل ولایت بر نفس برای مؤمنان ثابت است، اما پیامبر ولایت بیشتری بر جان‌های ایشان دارد. بنابراین هر شخصی بر نفس خود حق ولایت و تصرف دارد و قاعده «الناس مسلطون علی أنفسهم» ثابت می‌شود (مؤمن، ۱۴۱۵ ق: ۱۶۳)؛ ۲. آیه ۲۰۷ سوره بقره: «و من الناس من یشرى نفسه ابتغاء مرضات الله». در این آیه خداوند می‌فرماید برخی از مردم جان خودشان را در راه جلب رضایت الهی می‌فروشند. گرچه فروش در این آیه به معنای بیع حقیقی نیست، لازمه به کارگیری تعبیر فروختن جان این است که انسان نسبت به جان خود حق تصرف داشته باشد و در غیر این صورت او حق فروختن جان خود را نخواهد داشت. بنابراین از این آیه نیز چنین برداشت می‌شود که انسان بر جان خویش تسلط دارد (مؤمن، ۱۴۱۵ ق: ۱۶۳). ۳. بنای عقلا: هرچند در مورد تسلط انسان بر اموالش نصوصی وجود دارد، مهم‌ترین دلیل اثبات چنین تسلطی بنای عقلا است. اگر در قاعده «الناس مسلطون علی أموالهم» بنای عقلا را مبنا قرار دهیم، باید حجیت

قاعده «الناس مسلطون علی أنفسهم» را هم بپذیریم. چون بنای عقلا بر این است که انسان هم بر اموال خودش سلطه دارد هم بر نفس خودش. مؤید این سلطنت این است که در برخی از ابواب فقهی، مانند باب نکاح، اکراه و اجبار در فروع مختلف غیر قابل پذیرش است و چنین احکامی حاکی از وجود سلطنت انسان بر نفسش است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲: ۳۶ - ۳۷).

با توجه به ادله بیان شده، قاعده تسلط انسان بر نفس خودش حجت است و می‌تواند یکی از ادله جواز عمل جراحی زیبایی به شمار رود. چون این عمل یکی از تصرفاتی است که انسان در جسم خود انجام می‌دهد و طبق قاعده این حق برای او ثابت است. البته این نکته را نباید فراموش کرد که تسلط انسان بر جانش بی‌قیدوشرط نیست. مادامی این تصرف جایز است که موجب ضرر یا هلاکت نفس یا دیگر محظورات نشود.

برخی در استدلال به سیره مناقشه کرده‌اند، با این بیان که سیره عقلا بر دوری کردن از هر چیزی است که ضرر به نفس می‌رساند. در پاسخ به این مطلب چند نکته قابل طرح است: الف) سیره عقلا بر دوری کردن از کارهای زیان‌بار به نحو الزامی نیست. اگر انگیزه‌های عقلایی وجود داشته باشد کارهایی مانند اهدای کلیه مجاز شمرده می‌شود؛ ب) در برخی از کارهای مضر غیر عقلایی، مانند پرخوری، سیره عقلا بر ترک نیست (ایروانی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۰۸).

دلیل سوم. اصل برائت: بهترین حالت برای دستیابی به حکم شرعی این است که به آن یقین حاصل کنیم. اما در بیشتر موارد چنین امکانی وجود ندارد. در مرتبه بعد ظن معتبر مطلوب‌ترین راه برای کشف حکم شرعی است که اصطلاحاً به آن «آماره» یا «دلیل» نیز می‌گویند. در صورتی که در مسیر کشف حکم دلیلی یافت نشود، عقل و نقل راه‌های دیگری برای متحیر نماندن مکلف در مقام عمل مشخص کرده‌اند که به آن‌ها اصطلاحاً «اصول عملیه» اطلاق می‌شود. یکی از اصول عملیه «برائت» است که در فرض فقدان دلیل معتبر و عدم امکان جریان استصحاب به کار می‌رود. مفاد اصل برائت این است که اگر مکلف در وجوب یا حرمت عملی شک کرد و دلیل معتبری بر آن نیافت، هم از نظر عقل هم از نظر شرع، تکلیفی بر عهده او نیست (انصاری، ۱۴۲۸ ق، ج ۱: ۲۵). در زمینه جراحی زیبایی اگر یکی از دو دلیل اول را بپذیریم، دیگر نوبت به طرح اصل برائت نمی‌رسد. چون یکی از شرایط تمسک به برائت و دیگری اصول عملیه فقدان دلیل است. اما اگر به هر جهت دلالت دو دلیل اول بر جواز عمل جراحی زیبایی را نپذیریم، با کمک اصل برائت، حکم به جواز آن می‌شود. از آنجا که در شرع مقدس دلیلی بر حرمت این عمل وجود ندارد، اصل برائت اقتضا دارد که تکلیفی متوجه مکلف نباشد و عمل او جایز باشد.

۴. بررسی حکم ثانوی

آنچه در مباحث گذشته بررسی شد حکم اولی جراحی زیبایی بود. در این بخش به موضوعاتی پرداخته می‌شود که در صورت عروض آن‌ها حکم اولی را تغییر می‌دهد و به حکم دیگری تبدیل می‌کند.

۴.۱. تحریم

در بررسی حکم اولی جراحی زیبایی به این نتیجه رسیدیم که این عمل جایز است. با این حال در پاره‌ای از موارد به دلیل وجود موانعی دیگر نمی‌توانیم حکم به جواز کنیم. در این بخش برخی از عناوین ثانویه که موجب حرمت عمل جراحی زیبایی می‌شود ارائه می‌شود.

دلیل اول. ضرر: «ضرر» در لغت به معنای کاستی در نفس یا اعضای بدن یا آبرو یا اموال است و در مقابل نفع قرار می‌گیرد. تقابلی که بین ضرر و نفع وجود دارد از نوع تقابل ملکه و عدم آن است (خراسانی، ۱۴۰۹ ق: ۳۸۱). در روایات صادر شده از پیامبر گرامی اسلام^(ص) عباراتی با مضمون «لاضرر و لاضرار فی الإسلام» وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۲۹۳) که فقها در تبیین آن مباحث زیادی را مطرح کرده‌اند. این احادیث مستند قاعده‌ای است که در فقه به قاعده «لاضرر» شهرت یافته است. در توضیح این قاعده اختلافات زیادی میان فقها وجود دارد. اما دو رویکرد کلی در زمینه این قاعده وجود دارد: الف) این قاعده جعل هر حکمی که موجب ضرر بشود را نفی می‌کند؛ ب) انجام دادن هر فعلی که موجب پیدایش ضرر شود منهی‌عنه است (صدر، ۱۴۲۰ ق: ۱۳۴). اگر بخواهیم حرمت عمل زیبایی را از این قاعده نتیجه بگیریم، باید تفسیر دوم را بپذیریم. با توجه به اینکه متخصصان علم پزشکی معتقدند انجام دادن برخی از عمل‌های جراحی زیبایی ضررهای جبران‌ناپذیری را به جسم وارد می‌کند،

طبق قاعده لاضرر، این نوع از عمل‌ها حرام است. نکته مهمی که در بحث ضرر وجود دارد این است که ملاک و عیار تحقق ضرر چیست و از کجا تشخیص دهیم که فلان جراحی خاص موجب ضرر می‌شود یا خیر. از آنجا که در شرع مقدس اسلام تعریف خاصی برای ضرر ارائه نشده است و به اصطلاح این عنوان از حقایق شرعی محسوب نمی‌شود، برای تشخیص تحقق ضرر باید به عرف مراجعه کنیم (نراقی، ۱۴۱۷ ق: ۵۷). گفتنی است آنچه در شرع حرام دانسته شده آسیبی است که مرگ یا قطع عضو یا آسیبی در این سطح را به دنبال داشته باشد (خویی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱: ۲۱۸). به هر جهت، اگر عرف عملی خاص را در این سطح از ضرر تشخیص دهد، حرمت آن ثابت می‌شود و مشخص است که در مواردی مثل عمل جراحی زیبایی، که موضوعی علمی و پیچیده است، نظرات عرف خاص یا همان کارشناسان متخصص این زمینه باید مورد توجه قرار بگیرد.

دلیل دوم. لمس و نگاه حرام: چنان که از آیات و روایات استفاده می‌شود، نگاه کردن مردان به بدن زنان و بالعکس حرام است، مگر در موارد خاص. همچنین لمس کردن بدن جنس مخالف از جمله محرمات است (خمینی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۷۷). این حکم فی‌الجمله در همه مذاهب اسلامی مورد قبول واقع شده و از مسلمات فقه است. یکی از محذوراتی که می‌تواند عمل جراحی را با مشکل شرعی مواجه کند این است که جراحی مردان توسط پزشکان زن و جراحی زنان توسط پزشکان مرد صورت گیرد. عمل جراحی زیبایی، که نوعاً با لمس یا نگاه به بدن نامحرم همراه است، فقط در صورتی که عملی درمانی و ضروری باشد و پزشک هم‌جنس یافت نشود جایز خواهد بود. در غیر این صورت نمی‌توان دلیلی برای جواز آن یافت. البته از این نکته نباید غافل شد که در چنین عمل‌هایی دو فعل هم‌زمان رخ می‌دهد: یکی عمل جراحی و دوم نگاه و لمس. در حقیقت آنچه در این نوشته مورد نظر است بررسی حکم خود عمل جراحی است؛ در حالی که لمس و نظر دو فعل مستقل هستند که با عمل جراحی مقارن و هم‌زمان شده‌اند. بنابراین اگر عنوان حرام دیگری غیر از لمس و نظر بر جراحی منطبق نشود، نفس عمل جراحی نه به عنوان اولی و نه به عنوان ثانوی حرام نخواهد بود؛ بلکه حرام دیگری تحت عنوان لمس و نظر هم‌زمان با عمل جراحی انجام می‌شود.

دلیل سوم. تدلیس و غرور: تدلیس به معنای پوشاندن عیب و اظهار خلاف واقع است (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۰: ۳۶۲). بحث تدلیس در علم فقه در بخش معاملات و نیز در باب نکاح مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حرمت عمل تدلیس اختلافی وجود ندارد. اما باید این مطلب مورد بحث قرار بگیرد که آیا عمل جراحی زیبایی از مصادیق تدلیس به شمار می‌رود یا خیر. در گذشته رایج بوده که برخی از آرایشگران برای اینکه دختران بتوانند راحت‌تر و سریع‌تر مورد پسند خواستگاران قرار گیرند آن‌ها را به گونه‌ای آرایش می‌کردند که عیوب و نواقص و زشتی‌های آن‌ها پنهان بماند. مثلاً اگر دختری مو نداشت یا موهای کمی داشت با اتصال موهای دیگر به سر او سعی می‌کردند این عیب را بپوشانند. این عمل، که با بی‌اطلاعی خواستگاران همراه بوده، اصطلاحاً «تدلیس ماشطه» نامیده می‌شده است. به اعتقاد برخی از پژوهشگران عمل جراحی زیبایی نیز یکی از مصادیق تدلیس است. چون زنان با این جراحی‌ها عیوب خود را می‌پوشانند و برخلاف واقع خود را زیباتر و جوان‌تر از آنچه هستند نشان می‌دهند (فوزان، ۱۴۲۹ ق: ۷۵).

در رابطه با تدلیس در عمل جراحی زیبایی چند نکته باید مورد توجه قرار بگیرد: اولاً، در عمل جراحی زیبایی تدلیس در صورتی محقق می‌شود که همراه با پنهان‌کاری باشد. اما اگر خواستگار از آن آگاه باشد، تدلیس محقق نمی‌شود؛ ثانیاً، عمل‌های جراحی زیبایی به طور کلی به دو قسم تقسیم می‌شوند: الف) عمل جراحی با اثر دائمی: مثلاً در موردی که زن مو ندارد و با کاشت موی طبیعی دارای مو می‌شود، اگر موی کاشته شده همانند موهای دیگر رشد داشته باشد و در طول زمان دچار ریزش غیر متعارف نشود، این عمل، حتی در صورت عدم آگاهی خواستگار، از مصادیق تدلیس محسوب نمی‌شود. چون تدلیس در صورتی محقق می‌شود که عیبی موجود باشد و توسط زن پنهان شود. اما در فرض مثال هرچند زن قبل از عمل جراحی دارای عیبی بوده، وقتی پس از این عمل عیب خاصی وجود ندارد تدلیسی هم رخ نداده است؛ ب) عمل جراحی با اثر موقت: مثلاً اگر صورت زن با انجام برخی عمل‌ها مانند تزریق ژل زیباتر از حالت اولیه شود و این زیبایی موقت و زوال‌پذیر باشد، اگر زن این مطلب را از خواستگار پنهان سازد، از مصادیق تدلیس است. چون زن عیبی در صورت خود دارد که آن را از مرد پنهان ساخته است. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان نتیجه گرفت در صورتی که اثر عمل زیبایی دائمی باشد، نیازی به اطلاع‌رسانی به خواستگار ندارد و به هیچ‌وجه از مصادیق تدلیس نیست. اما اگر اثر آن موقت باشد و به اطلاع مرد نرسد، از مصادیق تدلیس است.

۴.۲. جواز

در بررسی حکم اولی عمل جراحی زیبایی ممکن است برخی قائل به حرمت آن شوند. با وجود این، اگر برخی عناوین ثانویه بر عمل یادشده عارض شود، حکم به جواز آن می‌شود. در ادامه این عناوین ارائه می‌شود.

دلیل اول. اضطراب: یکی از عناوین ثانویه که می‌تواند مجوز ارتکاب برخی از محرمات باشد اضطراب است. برای اینکه بتوانیم به درستی تشخیص دهیم آیا عمل جراحی زیبایی می‌تواند از مصادیق اضطراب باشد یا خیر، لازم است تعریف روشنی از اضطراب ارائه شود. در تعریف اضطراب، مطالب و آرای مختلفی از فقها مطرح شده است. اما می‌توان گفت یکی از تعاریف مناسب آن عبارت است از قرار گرفتن انسان در شرایطی تهدیدآمیز که رهایی از آن مستلزم انجام دادن فعلی خاص است. البته عامل تهدید و ایجاد شرایط مخاطره‌آمیز باید غیر انسانی باشد تا اکراه را از تعریف خارج سازد. چون در اکراه نیز شرایط تهدیدآمیز وجود دارد، اما عامل آن انسانی است (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۴: ۱۲۵). در توضیح تعریف یادشده باید اضافه کرد که به خود شرایط تهدیدآمیز اضطراب گفته نمی‌شود، بلکه اضطراب حالتی است که بر شخص قرار گرفته در چنین شرایطی عارض می‌شود.

به باور برخی از متخصصان، جراحی زیبایی را نباید عملی تلقی کرد که صرفاً از روی هوس یا تفنن انجام می‌شود و تا زمانی که شخص ضرورتی برای انجام دادن این عمل نیابد دست به چنین کاری نمی‌زند (Dantas, 2011: 5). گاهی انسان در شرایطی قرار می‌گیرد که عواملی از درون انسان یا از محیط بیرونی او را به سمت عمل جراحی سوق می‌دهد و برای خود چاره‌ای جز این عمل نمی‌بیند. این عوامل گاهی روحی- روانی است؛ بدین معنا که شخص به دلیل عدم برخورداری از ظاهر مطلوب چنان دچار اضطراب و دلهره می‌شود که زندگی عادی او با اختلال مواجه می‌شود. ممکن است چنین شرایطی شخص را به حد اضطراب برساند و راهی جز انجام دادن عمل جراحی زیبایی نبیند. در برخی موارد نیز با وجود اینکه شخص از جهت روحی مشکلی با وضعیت خود ندارد، جامعه و شرایط بیرونی او را به سمتی می‌برد که چاره‌ای جز زیباتر شدن نمی‌یابد. مثلاً شخصی را فرض کنید که به دلیل نازیبایی ظاهری خواستگاری ندارد و اگر اقدام به تغییر ظاهری خود نکند تا آخر عمر باید تنها زندگی کند. چنین شخصی برای اینکه زندگی موفق داشته باشد و بتواند آینده خود را تضمین کند ناچار باید وضعیت ظاهری خود را ارتقا دهد. بنابراین اضطراب یکی از دلایلی است که موجب جواز عمل جراحی زیبایی می‌شود.

دلیل دوم. عسر و حرج: یکی دیگر از عناوین ثانویه که می‌توان برای اثبات جواز عمل جراحی زیبایی به آن استناد کرد عسر و حرج است. برخی از علما بین عسر و حرج تفاوت قائل شده‌اند. در توضیح این فرق چنین گفته شده که حرج مرتبه‌ای بالاتر و سخت‌تر است و به سختی و مشقتی اطلاق می‌شود که انسان را در تنگنا و فشار قرار می‌دهد، در حالی که عسر اعم است و شامل سختی بدون تنگنا نیز می‌شود (نراقی، ۱۴۱۷ ق: ۶۱). البته با توجه با اینکه عسر و حرج دو حقیقت عرفی هستند و در شرع تعریف معینی برای آن‌ها ذکر نشده، آنچه در تشخیص مفهوم آن‌ها ملاک است فهم و برداشت عرف است و عرف نیز تفاوتی بین این دو اصطلاح نمی‌بیند (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۸۱).

عسر و حرج رابطه تنگاتنگی با مفهوم «اضطراب» دارد و در واقع می‌تواند یکی از اسباب و عوامل ایجاد حالت اضطراب، همانند تقیه و ضرر، باشد. بنابراین می‌توان اضطراب را اعم از عسر و حرج دانست. تفاوت دیگری که وجود دارد این است که اضطراب شامل احکام وضعی نمی‌شود. چون دلیل آن حدیث رفع است و حدیث رفع نیز از باب امتنان بر امت صادر شده که با رفع حکم وضعی منافات دارد. در حالی که ادله عسر و حرج اطلاق دارد و شامل حکم وضعی نیز می‌شود. با وجود تفاوت‌هایی که بین این عناوین وجود دارد، تطبیق آن‌ها بر موضوع محل بحث بیانی یکسان دارد. گاهی شرایط روحی- روانی و گاهی نیز شرایط اجتماعی انسان را در عسر و حرج قرار می‌دهد و در این حالت طبق بیان الهی حکمی که موجب حرج شود جعل نشده است: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (مائده/ ۶) و حتی اگر حکم اولی جراحی زیبایی را حرمت بدانیم در شرایط ایجاد عسر و حرج این حکم منتفی خواهد بود.

۵. عمل جراحی زیبایی در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف

کشورهای مختلف جهان دارای نظام‌های حقوقی مختلفی هستند که بررسی هر یک از آن‌ها مجال مستقل می‌طلبد. در این بخش سعی بر این است که وضعیت قانونی عمل جراحی زیبایی در برخی از کشورهای مهم جهان روشن شود.

در نظام حقوقی کشور انگلستان با این استدلال که هر شخصی حق دارد ظاهر خود به شکلی زیبا و جذاب و مورد پسند درآورد این عمل را جایز دانسته‌اند (Williams, 1955: 573-578). در کشور آلمان نیز عمل جراحی زیبایی مجاز است (جوهری، ۱۹۵۱ م: ۳۲۱)، البته با این شرط که خطری متوجه شخص متقاضی عمل نشود و نیز مانعی برای ایفای نقش اجتماعی او ایجاد نکند. در ایالات متحده آمریکا، هرچند تفاوت‌هایی از جهت قانونی در ایالات مختلف وجود دارد، به طور کلی می‌توان گفت که عمل جراحی زیبایی در همه مناطق آزاد است و منعی ندارد (محامی، ۲۰۱۱ م: ۲۸). در نظام حقوقی فرانسه، قانون درباره جراحی زیبایی روند تاریخی پرچالشی داشته است. در سال ۱۹۱۳ میلادی محکمه استیناف پاریس عمل‌هایی را که مقصود آن‌ها صرفاً زیبایی بود ممنوع اعلام کرد و در صورت بروز آسیب به بیمار پزشکی را که اقدام به چنین عملی کند ضامن خسارات معرفی کرد، هرچند در انجام دادن عمل هیچ کوتاهی نکرده باشد (حسینی، ۲۰۰۸ م: ۷۷). این روند ادامه داشت و عمل جراحی زیبایی بی‌هدف و غیراخلاقی تلقی می‌شد تا اینکه در سال ۱۹۳۶ دادگاه فرانسه آن دسته از عمل‌های زیبایی را که در جهت بهبود وضعیت روحی- روانی فرد باشد مشروع و قانونی اعلام کرد (Picovschi, 2002: 28). قانون‌گذاران فرانسه برای اینکه محدوده جواز این قانون کاملاً مشخص و بدون ابهام باشد قاعده‌ای را وضع کردند که طبق آن باید میزان خطرات احتمالی ناشی از عمل و میزان مشکل‌سازی نازیبایی سنجیده شود و تنها در صورتی که میزان خطرات کمتر از میزان مشکل‌سازی نازیبایی باشد اجازه عمل صادر می‌شود. این قاعده را تناسب میان خطر جراحی و خفت ناشی از زشتی نامیده‌اند (Casey & Darsonval, 1986; Cited by Picovschi, 2002: 31). به عبارت ساده‌تر در قانون جدید فرانسه تنها در مواردی اجازه انجام دادن عمل زیبایی داده می‌شود که مصلحت انجام دادن آن از مفسده انجام ندادن آن بیشتر باشد.

در نظام حقوق ایران در خصوص عمل جراحی زیبایی قانون به خصوصی وجود ندارد. اما در بند «ج» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ایران که در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسیده است چنین آمده: «هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آن‌ها و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود [جرم تلقی نمی‌شود]». در تفسیر این ماده توضیحات مختلفی از سوی اندیشمندان ارائه شده است. برخی از محققان رعایت موازین علمی و نظامات دولتی را از جمله شرایط مشروع بودن عمل معرفی کرده‌اند. برخی دیگر معتقدند عبارت «عمل مشروع» به عملی گفته می‌شود که مطابق با مقررات علم پزشکی انجام شود و بهترین دلیل برای مشروع بودن یک عمل این است که پزشک دارای مدرک دکتری باشد (زرعت، ۱۳۸۶: ۱۱۹). چنان که ملاحظه می‌شود آنچه در ماده قانونی یادشده به آن تصریح شده تطابق عمل جراحی با موازین شرعی است. ولی به طور دقیق مشخص نشده که چه عمل‌هایی مطابق با شرع هستند و برای تطابق با شرع چه شرایطی باید رعایت شود. با توجه به اینکه قانون نسبت به مشروعیت یا عدم مشروعیت عمل جراحی زیبایی ساکت است، قاضی می‌تواند در صورت نیاز به صدور حکم در این زمینه، با استناد به ماده ۱۶۷ قانون اساسی ایران، با مراجعه به منابع فقهی یا فتاوی معتبر فقها، رأی خود را صادر کند.

۶. نتیجه‌گیری

دو دیدگاه در مورد حکم فقهی عمل جراحی زیبایی وجود دارد. بیشتر فقهای اهل سنت قائل به حرمت این‌گونه عمل‌ها شده‌اند. مهم‌ترین دلیل آن‌ها این است که طبق آیه ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره نساء تعبیر در خلقت الهی عملی شیطانی است و این تعبیر خلقت با اطلاقی که دارد شامل عمل جراحی زیبایی نیز می‌شود. در پاسخ به این دلیل گفته شد خلقت به معنای دین الهی است و ربطی به عمل جراحی ندارد. برای اثبات این مدعا شواهدی از آیات و روایات و نظرات فقها و مفسران بیان شد. دلیل مهم دیگری که بر حرمت ذکر شده بود روایاتی است که در آن‌ها کسانی که کارهایی چون خال‌کوبی و وصل کردن موها به هم و فاصله انداختن بین دندان‌ها را انجام می‌دهند مورد لعن قرار گرفته‌اند. در پاسخ به این روایات گفته شد که بیشتر این روایات از جهت سندی ضعیف هستند. از جهت دلالتی نیز استفاده حرمت از آن‌ها صحیح نیست. علاوه بر این بیان شد که این روایات حمل بر زیباسازی‌هایی می‌شود که همراه با تدلیس باشند. در نتیجه ادله قائلان به حرمت رد شد و ادله غالب فقهای امامیه بر جواز عمل جراحی زیبایی مورد پذیرش واقع شد. از جهت قانونی نیز این عمل بررسی شد و این نتیجه به دست آمد که در بیشتر کشورهای دنیا این عمل منع قانونی ندارد؛ هرچند در برخی کشورها شرایطی خاص برای صدور مجوز این عمل قرار داده شده است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (۱۴۰۳ ق). *معانی الأخبار*. قم: اسلامی.
- آقابابایی، اسماعیل (۱۳۸۶). *پیوند اعضا از بیماران فوت شده و مرگ مغزی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۸ ق). *فرائد الأصول*. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- اولسن، مریل (۱۳۸۸). *جراحی زیبایی*. مترجم: شهروز فرهنگ، تهران: کلید آموزش.
- ایروانی، محمدباقر (۱۳۸۴). *دروس تمهیدیة فی القواعد الفقهیة*. قم: مؤسسه الفقه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ ق). *صحیح البخاری*. قاهره: وزارة الأوقاف.
- جوهری، محمدفاتح (۱۹۵۱ م). *المسئولية الطبیة فی قانون العقوبات*. قاهره: دارجوهری.
- حجت، هادی و طلعتی، محمدهادی (۱۳۷۵). *احکام پزشکیان و مشاغل مربوط به پزشکی*. قم: بوستان کتاب.
- حسینی، محمد (۲۰۰۸ م). *عملیات التجمیل الجراحیة و مشروعیتها الجزائیة بین الشریعة و القانون*. بیروت: مرکز ابن ادریس الحلی.
- خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ ق). *کفایة الأصول*. قم: مؤسسه آل البیت.
- خمینی، سید روح الله (۱۴۲۲ ق). *استفتائات*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۲). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*. بی جا: بی نا.
- _____ (۱۴۲۲ ق). *مصباح الأصول*. قم: مکتبه الداوری.
- زراعت، عباس (۱۳۸۶). *حقوق جزای عمومی*. تهران: ققنوس.
- صدر، محمدباقر (۱۴۲۰ ق). *قاعده لاضرر و لاضرار*. قم: دارالصادقین.
- طالبی رستمی، محبوبه و عباسی، محمود (۱۳۹۴). *جراحی زیبایی و شرایط معافیت پزشک از مسئولیت کیفری*. *حقوق پزشکی*، ۹ (۳۴)، ۱۵۳ - ۱۹۲.
- طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طیبی نجفی، محمدرضا (۱۳۶۳). *تراش ریش از نظر اسلام*. قم: بی نا.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الأحکام*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- _____ (۱۴۲۷ ق). *الرجال*. قم: دفتر نشر اسلامی.
- _____ (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. قم: اسلامی.
- فوزان، صالح بن محمد (۱۴۲۹ ق). *الجراحیة التجمیلیة عرض طبی و دراسه مفصله*. ریاض: دارالتدمیریة.
- قرطبی، محمد بن أحمد (۱۹۶۴ م). *الجامع لأحکام القرآن*. القاهره: دارالکتب المصریة.
- گرم آبدشتی، علی رضا (۱۳۸۳). *احکام و استفتائات بهداشتی و پزشکی مطابق با فتاوی آیت العظمی بهجت*. قم: مشهور.
- محامی، حسام الدین احمد (۲۰۰۱ م). *المسئولية الطبیة فی الجراحیة التجمیلیة*. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیة.
- محامید، شویش (۲۰۰۵ م). *إذن الزوج لعمليات التجمیلیة التحسینیة*. *علوم الشریعة و القانون*، ۳۲ (۲)، ۳۱۴ - ۳۲۸.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ ق). *قواعد فقه*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمودی، محسن (۱۳۸۱). *مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید*. ورامین: علمی و فرهنگی صاحب الزمان.
- مسلم بن الحجاج النیسابوری (۱۳۳۴ ق). *صحیح مسلم*. استامبول: دارالطباعة العامرة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ ق). *القواعد الفقهیة*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- _____ (۱۳۸۱). *استفتائات جدید*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ ق). *کلمات سدیة فی مسائل جدیدة*. قم: اسلامی.
- نراقی، محمدمهدی (۱۴۱۷ ق). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

- The Holy Quran*. (in Arabic)
- Agha Babaei, I. (2007). *Transplantation of organs from deceased patients and brain death*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. (in Persian)
- Ansari, M. (2007). *Fara'id al-Usul*. Qom: Islamic Thought Academy. (in Arabic)
- Bukhari, M. I. (1993). *Sahih al-Bukhari*. Cairo: Ministry of Awqaf. (in Arabic)
- Casey, R. & Darsonval, V. (1986). *Le droit et la chirurgie esthétique*, Collection de médecine légale et de toxicologie. Paris: Masson. (in French)
- Dantas, E. (2011). *La Responsabilite Civile Du Chirurgien Plastique: La Chirurgie Plastique Comme Obligation De Moyen*.
- Fouzan, S. M. (2008). *Plastic surgery is a medical presentation and detailed study*. Riyadh: Dar al-Tadmiriyyah. (in Arabic)
- Garamabdashti, A.R. (2004). Health and medical rulings and inquiries according to the fatwas of Ayat al-Uzma Bahjat. Qom: Manshoor Publications. (in Persian)
- Hojjat, H. & Talati, M.H. (1996). *The rulings of doctors and professions related to medicine*. Qom: Boostan Ketab. (in Persian)
- Hosseini, M. (2008). *Plastic surgeries and their penal legality between Sharia and the law*. Beirut: Ibn Idris Al-Hilli Center. (in Arabic)
- Ibn Babawayh, M. A. H. (1983). *Ma'ani Al-Akhbar*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Irvani, M.B. (2004). *Dorus al-Tamhidiyyah fi al-Qawaeid al-Fiqhiyyah*. Qom: Institute of Fiqh. (in Arabic)
- Johari, M. F. (1951). *Medical responsibility in the penal code*. Cairo: Dar Johari. (in Arabic)
- Khoei, S. A. (1993). *Mujam Rijal al-Hadith wa Tafsil Tabaqat al-Ruwat*. (in Arabic)
- (2001). *Misbah al-Asoul*. Qom: Al-Davari. (in Arabic)
- Khomeini, S. R. (2001). *Estefta'at*. Qom: Islamic Publications Office. (in Persian)
- Khorasani, M.K. (1989). *Kifaya al-Usul*. Qom: Al-Albayt Institute. (in Arabic)
- Mahamid, Sh. (2005). Husband's permission for plastic surgery. *Sharia sciences and law*, 32 (2), 314-328. (in Persian)
- Mahmoudi, M. (2002). *New issues from the perspective of scholars and sources of imitation*. Varamin: Sahib Al-Zaman Scientific and Cultural Publications. (in Persian)
- Makarem Shirazi, N. (1991). *Jurisprudential rules*. Qom: Madrasah of Imam Ali ibn Abi Talib. (in Arabic)
- (2011). *New polls*. Qom: Publications of Imam Ali ibn Abi Talib School. (in Persian)
- Mohaqeq Damad, S. M. (1986). *Rules of Jurisprudence*. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (in Persian)
- Mo'men Qomi, M. (1994). *Kalimat Sadida*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Muhami, H. A. (2001). *Medical responsibility in plastic surgery*. Beirut: Al-Halabi human rights publications. (in Arabic)
- Muslim ibn Al-Hajj Al-Nisaburi (1916). *Sahih Muslim*. Istanbul: Dar Al-Tabaa Al-Amera. (in Arabic)
- Naraghi, M.M. (1996). *The Returns of the Days in explaining the rules of rulings and the tasks of halal and haram issues*. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of the Seminary. (in Arabic)
- Olsen, M. (2008). *Cosmetic surgery*. translated by Shahroz Farhang. Tehran: Education key publications. (in Persian)
- Picovschi, D. (2002). *Le Chirurgien Plastique Et La Justice*. Paris: Universite Louis Pasteur, Faculte De Medecine De Strasbourg. n 72.
- Qurtobi, M. A. (1964). *Al-Jamae for the Ahkam al-Qur'an*. Cairo: Dar al-Kitab al-Misriyyah. (in Arabic)
- Sadr, M.B. (1999). *The rule of La Dharar and La dhirar*. Qom: Dar al-Sadighayn. (in Arabic)
- Tabasi Najafi, M.R. (1984). *Beard trimming according to Islam*. Qom: Bina. (in Persian)
- Tabresi, F. (1993). *Majma Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Naser Khosro. (in Arabic)
- Talebi Rostami, M. & Abbasi, M. (2014). Cosmetic surgery and the conditions for the doctor's exemption from criminal liability. *Medical Law Quarterly*, 9 (34), 153-192. (in Persian)

- Tusi, M. (1987). *Tahdhib Al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya. (in Arabic)
- (2006). *Al-Rijal*. Qom: Islamic Publishing Office. (in Arabic)
- (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
- Williams, G. L. (1955). Criminal Law. *University of Pennsylvania Law Review*, Vol. 103, No. 4, 573-578.
- Zera'at, A. (2016). *General Criminal Law*. Tehran: Phoenix Publications. (in Persian)